

ابوان عالی قابو

ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

سجد خادم الفقرا

یادبود وزیر مقتدر از دوران صفویه بنام ساروتقی

لطف الله هنر فر

اورا نانوائی معرفی کرده است . میرزا هدایت الله چون نتوانست در تیریزکاری مناسب پیدا کند ناچار با فرزند خود محمدتقی که ۱۳ یا ۱۴ سال داشت در عهد شاه عباس بزرگ به قزوین رفت و شاید چنانکه شاردن نوشته است در آنجا بکار نانوائی

از رجال معروف دربار صفویه سرگذشت زندگی میرزا محمدتقی اعتمادالدوله که سالیانی چند وزارت شاه صفی و شاه عباس دوم را بهمه داشته بر حادته است . وی فرزند میرزا هدایت الله تبریزی بود که شاردن سیاح فرانسوی و نویسنده سفرنامه معروف

هنر و مردم

اما چون در ایران بحکم دین اسلام هیچکس انگشتر طلا بدست نمیکند ساروتقی نگین الماس را در حلقه‌ای از قره نشانده و به پادشاه تقدیم کرد.

ساروتقی پس از آنکه به مقام وزارت اعظم رسید در خانه حاتم‌بیک وزیر اعظم شاه‌عباس بزرگ منزل گزید. شاه‌صفی غالباً بخانه او میرفت و حتی سفیران ممالک خارجی را در خانه او مهمان میکرد. وزیر نیز در خدمت شاه از هیچگونه فداکاری و حتی از بذل جان دریغ نداشت از آنجمله نوشته‌اند در سال ۱۰۴۵ هنگامی که شاه‌صفی قلعه ایروان را محاصره کرده بود روزی در ضمن جنگ برای تحریک سرداران قزلباش در کمال بیباکی اسب خود را بسوی حصار قلعه راند و چنان خود را در تیررس قلعه‌داران قرارداد که جانش در خطر افتاد هیچیک از سرداران جرئت جلو رفتن نداشت اما ساروتقی جان خود را به چیزی نشمرد و با شتاب از دنبال شاه اسب تاخت و چون به او رسید بهردو دست عنان اسبش را گرفت و از پیش رفتن بازداشت و با اصرار و استدعا شاه را بازگردانید.

ساروتقی در دربار شاه‌عباس دوم

پس از مرگ شاه‌صفی که روز دوشنبه ۱۲ صفر سال ۱۰۵۲ اتفاق افتاد فرزندش شاه‌عباس دوم که کودکی ده ساله بود جانشین وی شد و اختیار امور دولت بدست ساروتقی و مادرش آن‌خانم که بانویی چرکسی و بسیار زیرک بود افتاد. ساروتقی

بازار ساروتقی



مشغول شده باشد. پس از آنکه محمدتقی به سن رشد رسید پدرش او را به اصفهان پایتخت صفویه فرستاد تا مگر در این شهر کاری پیدا کند. در پایتخت محمدتقی بخدمت سربازی درآمد و دو سال در زمره تفنگچیان شاهی بسربرد تا آنکه بخدمت ذوالفقارخان قرامانلو از سرداران نامی شاه‌عباس درآمد. در سال ۱۰۱۵ هجری که معماران و استادکاران لایق دربار شاه‌عباس سخت مشغول کار ساختمان عمارت عالی‌قاپو و مسجد سلطنتی (مسجد شیخ لطف‌الله) و تکمیل بنای میدان نقش‌جهان بودند ستاره اقبال محمدتقی اوج میگیرد و ناگهان به وزارت محمدخان زیاد اعظمی حکمران قزلباش میرسد و از این زمان به میرزا محمدتقی معروف میشود. نه سال بعد که محمدخان در جنگ با والی گرجستان کشته میشود چون میرزا محمدتقی در خدمتگزاری سرداران و ترتیب کار سپاهیان در هم شکسته محمدخان ابراز لیاقت کرد مورد توجه شاه‌عباس بزرگ واقع شد و اداره امور قزلباش از طرف پادشاه باو واگذار گردید. در سال ۱۰۲۵ بوزارت کل ولایات مازندران و گیلان منصوب شد و شاه‌عباس بسبب اینکه موی سر و ریشش بور و به رنگ طلائی بود او را ساروتقی یعنی (تقی‌زرد) خطاب میکرد و بعدها بهمین نام معروف شد.

در سال ۱۰۳۱ شاه‌عباس ساروتقی را مأمور کرد که راههای مازندران را وسیع و سنگفرش کند بطوریکه کاروانهای شتر بی‌خوف و خطر در کوهها و جنگلهای آن سرزمین آمدوشد کنند. ساروتقی این مأموریت را در کمال خوبی انجام داد و از آنجمله راه وسیعی ساخت که از طریق خوار و فیروزکوه به سوادکوه و از آنجا به نوح‌آباد منتهی میشد و پادشاه غالباً از این راه به مازندران میرفت.

ساروتقی در دربار شاه‌صفی

در آغاز سلطنت شاه‌صفی جانشین شاه‌عباس بزرگ ساروتقی مأمور شد که به نجف اشرف برود و گنبد آرامگاه حضرت امیر (ع) را که شکست یافته بود از نو بسازد و حرم آن حضرت را توسعه دهد و به آنجا از رود فرات نهری جاری کند. ساروتقی این مأموریت را هم در ظرف سه سال انجام داد و در سال ۱۰۴۲ بی پایان رسانید. روز جمعه شانزدهم صفر سال ۱۰۴۴ ساروتقی به مقام وزارت اعظم شاه‌صفی رسید. دقت و توجه او در نظارت و جمع‌آوری عواید و اموال دیوان و شخص شاه تا آن زمان در ایران بی‌نظیر بوده است. از رشوه دادن و گرفتن سخت تنفر داشت و آنچه را که حکام و مأمورین و وزیران ولایات برای جلب توجه او و تحصیل مشاغل تازه یا عفو گناهان خویش باو پیشکش میکردند بخزانه شاهی میفرستاد. اولناریوس (Oléarius) سفیر هلشتاین که در آن زمان در اصفهان بوده است می‌نویسد که ما یک انگشتر طلا که نگین آن الماس درشت بسیار گرانبهائی بود به ساروتقی اعتمادالدوله پیشکش کردیم



گنبد مسجد ساروتقی



بازار ساروتقی

پادشاه بود مسلح و آماده بخدمت ایستادند و هنگامی که جانی خان قورچی باشی که با کوب و جلال فراوان به دیوانخانه آمده بود به تالار قدم گذاشت شاه وی را ملامت کرد و سؤال کرد برای چه وزیر مرا کشتی؟ و هنگامی که جانی خان دهان باز کرد تا جوابی بدهد شاه فرست نداد و از جای خود برخاست و فرمان داد «بزنید» و به اطاق دیگر رفت. بلافاصله سرداران و غلامان با شمشیرهای برهنه بر سر قورچی باشی و همراهانش ریختند و بیك چشم برهم زدند او و ۲۴ نفر رفقایش را روی قالیهای گرانهای تالار قطعه قطعه کردند و جسد قورچی باشی و یاران او را در میدان شاه مقابل سردر عمارت عالی قاپو انداختند و باین ترتیب پادشاه جوان صفوی انتقام وزیر پیر و مجرب خود را از قاتلین وی گرفت.

آثار دوره صدارت ساروتقی در اصفهان

در اصفهان يك بازار و چهارسو و يك کاروانسرا و دو مسجد از آثار دوره صدارت ساروتقی هنوز وجود دارد اما کاخ ساروتقی که بقول شاردن یکی از زیباترین کاخهای ایران بوده است پس از مرگ وی بحال ویرانی افتاد و مدتی بفرمان شاه مسکن داروغه یا فرماندار شهر بوده است. شاردن نوشته است که فرماندار شهر فعلاً اسکندر میرزا پسر شاهنواز خان نایب السلطنه گرجستان است که از پول شخصی خود زمینی جنب این کاخ خریده و در آن عمارتی عالی و گرمابه ای بزرگ بنا نهاده است (از این کاخ فعلاً اثری موجود نیست).

تا سال سوم پادشاهی شاه عباس دوم با جلب رضایت مادرشاه به استقلال و استبداد تمام حکومت کرد و چون خواست به حساب داودخان حکمران گیلان که از تمسویه مطالبات دولت خودداری کرده بود رسیدگی کند با مخالفت جانی خان قورچی باشی که از بستگان داودخان بود مواجه گردید و کینه و کدورت میان او و قورچی باشی تا آنجا بالا گرفت که قورچی باشی کمر قتل وزیر را بست و عده ای مانند نقدی خان بیگلریکی معزول کوه گیلویه و عرب خان بیگلریکی معزول شیروان و ابو الفتح بیك جبه دارباشی و علی میرزایک یساول صحبت و شبانقلی بیك استاجلو قورچی تیرو کمان و علی میرزایک شیخاوند را در قتل وزیر با خود همداستان کرد و روز چهارشنبه بیستم شعبان سال ۱۰۵۵ صبح زود به خانه ساروتقی رفتند و او را غافلگیر کرده بقتل رسانیدند. مادرشاه که به لیاقت و کفایت وزیر اطمینان تمام داشت از شنیدن این خبر بی اندازه متأثر شد و پادشاه خردسال را بگرفتن انتقام از قاتلان وی تشویق نمود و انجام این کار را بعهده مرتضی قلیخان بیجولوی شاملو ایشیک آقاسی باشی و علی قبادبیك چوله ایشیک آقاسی باشی حرم و قلندر سلطان تفنگچی آقاسی واگذار کرد.

صبح روز یکشنبه ۲۴ شعبان که پنج روز از قتل ساروتقی گذشته بود شاه عباس دوم لباس غضب پوشید و در تالار بارعام عمارت عالی قاپو برجای خود قرار گرفت و سردارانی که نام آنها برده شد باتفاق حق نظر بیك قورچی باشی ترکش که معلم

مسجد مخدوم الامرا و خادم الفقرا ساروتقی

مسجد بزرگ ساروتقی که سخن آن چندان وسعت ندارد و گنبد آن در نوع خود از گنبد های منحصر بفرد مساجد تاریخی اصفهان است در فاصله بین بازار مقصود بیگ و بازار چه حسن آباد در مجاورت امامزاده احمد که یکی دیگر از بنا های تاریخی اصفهان است واقع شده . قسمتهای از طاق بازار ساروتقی خراب شده ولی برفراز سردر مسجد و منزل ساروتقی قسمت جالبی از بازار زمان وی باقی مانده است .

نمای گنبد مسجد ساروتقی در خارج آجر ساده است ولی در داخل مانند سقف قمر های زمان صفویه با نقاشی و کج چبری ترین شده و این نوع تزیینات گنبد مسجد ساروتقی را از سایر گنبد های مساجد اصفهان ممتاز میسازد . در داخل گنبد هیچگونه کتیبه ای موجود نیست ولی سردر مسجد که مشرف به بازار است دارای کتیبه ایست که بخط محمدرضا امامی میباشد . ساروتقی در کتیبه تاریخی این مسجد پس از تجلیل از شاه عباس ثانی صفوی خود را مخدوم الامرا و خادم الفقرا خوانده است . کتیبه بشرح زیر است :

« فی ایام الدولة السلطان الاعظم والخواقان الاکرم مروج المذهب الائمة المعصومین علیهم السلام السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه عباس الموسوی الحسینی الصفوی الثانی بهادر خان خلد الله ملکه و سلطانه توفیق بنای این مسجد یافت مخدوم الامرا و خادم الفقرا اعتماد الدولة العلیة العالیة میرزا محمد تقی المشهور بساروتقی فی ۱۰۵۳ کتیبه محمدرضا الامامی اصفهانی الادهمی » .

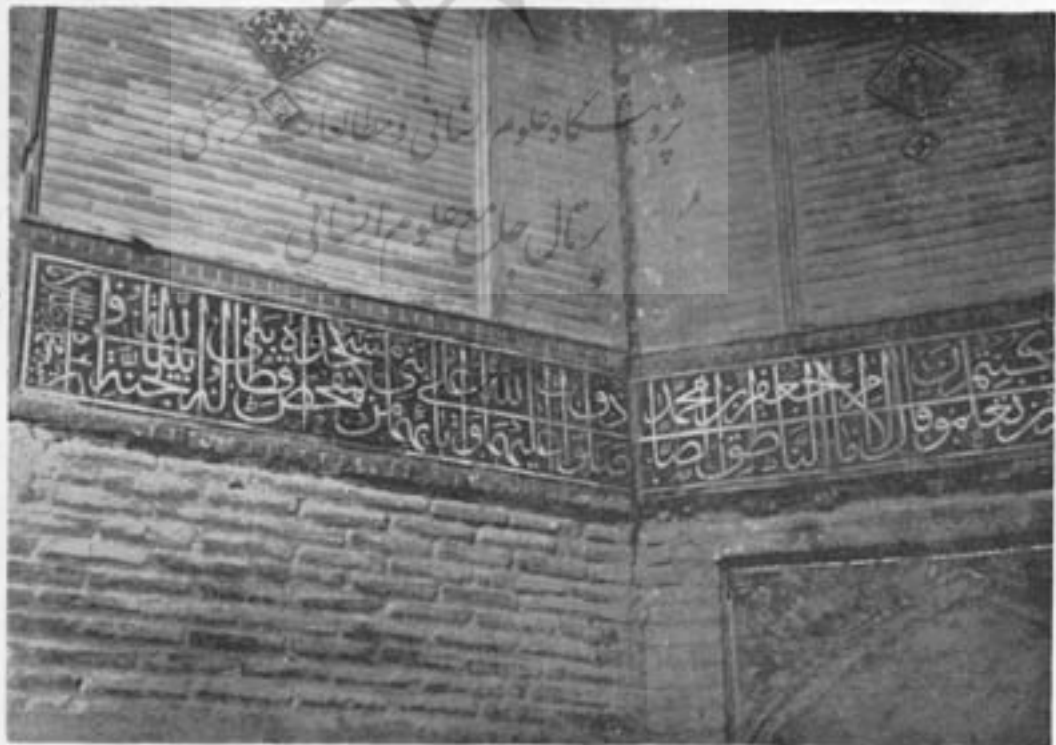
چهارسوی ساروتقی

شاردن پس از توصیف قسمتی از بازار از مدرسه جده نام میبرد و میگوید این مدرسه با نام بانی آنست که یکی از زنان شام صفتی است و در هشتاد سال قبل ساخته شده و بعد به بازار ساروتقی میرسیم . در این بازار در یک سمت کاروانسرا و درست دیگر یک حمام است که هر دو را بنام ساروتقی سازنده آنها میخوانند . نقشه ساختمان این کاروانسرا وسیع ترین نقشهها بوده ولی بعلت آنکه تا هنگام قتل ساروتقی با تمام نرسیده ناقص است . فقط طبقه پائین آن بسیار زیبا و مسکون است .

چنانکه ذکر شد ساروتقی در سال ۱۰۵۵ هجری کشته شد و بنای چهارسو و مسجد دیگری در زیر گنبد این چهارسو بهنگام قتل وی ناتمام مانده و پس از درگذشت او به اتمام رسیده است . در اطراف این چهارسو در هشت لوحه در بالای چهار گوشواره زوایای چهارسو بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ بقلم محمدرضا امامی و مورخ سال ۱۰۵۶ هجری چهار بیت نوشته شده که بیت آخر آن بطور ایما و اشاره حاکی از واقعه قتل ساروتقی و اتمام بنا در فاصله یکسال پس از درگذشت وی است . اشعار بشرح زیر است :

دولت عباس ثانی در جهان
 خالک در گاهش ز ... چشم ...
 سال تاریخش چو جستم از خرد
 حاسد شه را سرافکندند و شد
 چار ارکان چار رکن این بنا

۱ - کاشیهای این مصراع و چند کلمه از مصراع سوم وجود ندارد.



نگوشه ای از مسجد ساروتقی